



معرفی سپهرکاشانی و ویژگیهای شعرا و

نکتر رضا روحانی*

عبدالرزاق امیری**

چکیده

سپهر کاشانی (۱۲۱۶ - ۱۲۹۶ ه.ق) یکی از شاعران و نویسندگان مشهور عصر قاجار و یکی از شاعران سبک بازگشت است. مقاله حاضر که به معرفی این شاعر و سبک شعری او می پردازد، در دو بخش تدوین شده است: در بخش اول، به زندگی شخصی سپهر از جمله محل تولد، مراحل تحصیل، شاعری و دانشهای آموخته او در شهر کاشان اشاره می شود، و سپس، به ترقی او در مراتب شاعری و دیوانی در دستگاه محمود میرزا فرزند فتحعلی شاه و ناصرالدین شاه اشاراتی می رود، و به دنبال آن، آثار مکتوب و منظوم سپهر، به ویژه دیوان قصاید او با عنوان محمودالقصاید، به اجمال، معرفی می شود.

در بخش دوم، به معرفی مقام شاعری و امتیازات شعری سپهر پرداخته می شود. در این بخش، با اشاره ای به سبک بازگشت، سبک شاعری او معرفی می گردد و درباره کمیت زیاد اشعار و کیفیت تقلید از دیگران، و تتبع و تسلط او در فنون شعر بحث می شود. در این باره، برخی ابیات متناسب که نشانه سبک فردی و قدرت شعری اوست، به عنوان شاهد از دیوان محمودالقصاید او نقل می شود.

واژگان کلیدی: سپهر کاشانی، سبک بازگشت، دیوان محمودالقصاید، مقام شعری سپهر

* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کاشان

** کارشناس ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

معرفی
سپهر کاشانی
و ویژگیهای
شعری او

۲۵

◀ الف. احوال و آثار سپهر کاشانی

□ ۱. زندگی سپهر

میرزا محمد تقی فرزند ملا محمد علی کاشانی ملقب به «لسان الملک» و متخلص به «سپهر» در سال ۱۲۱۶ قمری در شهر کاشان به دنیا آمد. او مستوفی دیوان بود و بیشتر به سبب تاریخ عظیم غیر انتقادی خویش یعنی ناسخ التواریخ شهرت دارد. نسب سپهر با فاصله هشت پشت به میرزا عبد الاعلی اردبیلی که از نبایر جهانشاه قراقویونلو و از جمله خواص حضرت و ارکان دولت شاه اسماعیل صفوی بوده، می‌رسد. (تاریخ کاشان، ص ۳۷۴)

او در دیباچه منشور دیوان محمود القصاید خود را چنین معرفی می‌کند: «نامم محمد تقی سپهر و تخلصم از ملکزاده مهرچاکر و نواب ولی النعم، سپهر است، مولدم خاک کاشان بهشت نشان و میلادم با سنه هزار و دویست و شانزده توأمان است». (دیباچه منشور دیوان محمود القصاید، ص ۳)

وی تحصیلات مقدماتی خود را در شهر کاشان به پایان می‌رساند و در آغاز جوانی، به تحصیل علوم غریبه و بعد به تحصیل فنون شعر و شاعری و عروض و قافیه روی می‌آورد و سرودن شعر را آغاز می‌کند. خود می‌گوید: «در اول شباب مایل به تحصیل علوم بودم، مدتی به در یوزگی علما و حکما و اوانی هم پی تحصیل علوم غریبه چون جفر و رمل و هیئت و بعضی دیگر از علوم غریبه و تورات و زیور و کسب خط نستعلیق روز بردم تا شاید از اهل کمالم بشمارند». (همان جا)

سپهر با روی آوردن به شعر و شاعری، مثنوی‌ای در سه دفتر به طریقه مولوی مدون می‌کند و بعد از آن به قصیده سرایی می‌پردازد. اولین قصیده‌ای که می‌سراید، در مدح همشهری اش فتحعلی خان صبا، ملک الشعراء، بوده که با این بیت شروع می‌شود:

موکب بهمن نماند گر که به خورشید تاب غم مخور ای خوب چهر! خیز و بر افکن نقاب
ملک الشعرا که طبع او را موزون می‌بیند، او را مورد تشویق قرار می‌دهد و دختر خویش را به همسری او در می‌آورد و او را همراه پسر خود، محمد حسین خان، متخلص به عندهلیب، به کاشان می‌فرستد، اما سپهر بعد از وفات ملک الشعراء، همراه پسر او، به دارالخلافه بر می‌گردد.^۲

سپهر بعد از اینکه با محمد حسین خان اختلاف پیدا می‌کند به کاشان بر می‌گردد تا اینکه به دستگاه محمود میرزا، فرزند فتحعلی شاه و حاکم نهند، راه می‌یابد. محمود میرزا

که خود نیز طبع شعری داشت، با لطف و عنایت و تشویق خود، او را پذیرا می‌شود. سپهر نیز به پاس قدردانی، دیوانی با عنوان «محمود القصاید» در مدح او می‌سازد و آن را در نوروز ۱۲۴۱ هجری قمری (نیمه شعبان) به محمود میرزا تقدیم می‌کند.

محمود میرزا در همان سالها به حکمرانی لرستان و نهاوند مأمور می‌شود که سپهر نیز با وی همراه می‌شود و در سالهای ۱۲۴۲ و ۱۲۴۳ در همان مناطق به سر می‌برد، و ظاهراً تا سال ۱۲۴۵ در دستگاه محمود میرزا باقی می‌ماند.

در همان سالها، اختلافاتی بین دو برادر (محمود میرزا و محمد تقی میرزا) پیش می‌آید که در سال ۱۲۴۵ با تبدیل شدن اختلافات این دو به جنگ، فتحعلی شاه حکمرانی کرمانشاهان و لرستان را به محمد تقی میرزا واگذار می‌کند و محمود میرزا را تحت تعقیب قرار می‌دهد. سپهر نیز به وسایلی از خرم‌آباد خارج می‌شود و به تهران می‌آید و از آن پس، خدمت محمود میرزا را ترک می‌گوید و مقیم تهران می‌شود.

در سال ۱۲۵۰ هجری قمری با جلوس محمد شاه بر اریکه سلطنتی، منصب استیفا تا پایان حکومت او به سپهر واگذار می‌شود و به دستور همین پادشاه و تشویق و ترغیب حاجی میرزا آقاسی، صدر اعظم، مأمور می‌شود که تاریخ سلطنت قاجاریه را به رشته تحریر درآورد. سپهر نگارش جلد سوم تاریخ سلطنت قاجار را در زمان سلطنت ناصرالدین شاه شروع می‌کند و در سال ۱۲۷۲ از طرف ناصرالدین شاه ملقب به «لسان الملک» می‌شود.^۳

او تا پایان عمر خود در تهران می‌ماند تا اینکه در روز چهارشنبه هفدهم ربیع الآخر ۱۲۹۷ قمری در سن هشتاد سالگی از جهان در می‌گذرد^۴ و جسد او را به نجف اشرف منتقل می‌کنند.

□ ۲. آثار سپهر

آثار منثور و منظوم سپهر عبارتند از:

۱. محمود القصاید؛ شامل قصاید و اشعار دیگری که در مدح محمود میرزا سروده و آن را در نوروز ۱۲۴۱ هجری قمری به او تقدیم کرده است؛ ۲. براهین العجم فی قوانین العجم؛ کتابی در عروض و قافیه و قوانین شعر فارسی که آن را به نام میرزا آقاخان نوری در سال ۱۲۶۸ هجری قمری تألیف کرده و دکتر سید جعفر شهیدی آن را تصحیح و چاپ کرده است؛ ۳. اسرار الانوار فی مناقب الائمه الاطهار؛ ۴. آینه جهان نما؛ در شرح حال و

سرگذشت بزرگان، درباریان، سلاطین، حکما، قضات، خطاطان و شاعران پس از هجرت تا عهد قاجاریه؛ ۵. جنگ التواریخ؛ جنگی است از کتابهای عربی و فارسی؛ ۶. دیوان اشعار؛ شامل قصاید، غزلیات، مقطعات و مثنویات؛ ۷. تاریخ قاجاریه؛ در چهار جلد که آن را جمشید کیانفر تصحیح کرده است؛ ۸. کتاب امثله عرب؛ ۹. ناسخ التواریخ؛ مهمترین و مشهورترین اثر سپهر کاشانی است و موضوع آن تاریخ عمومی جهان است که او در زمان حیاتش توفیق اتمام آن را نیافت. جلد اول این کتاب از هبوط حضرت آدم شروع می شود و آخرین جلد آن مربوط به شرح حال امام سوم شیعیان حضرت حسین ابن علی (ع) است. بعدها فرزندان شاعر کار پدر را ادامه دادند و کتاب را تکمیل کردند.

□ ۳. معرفی دیوان محمود القصاید

این دیوان که پیشتر تصحیح نشده بود،^۵ مشتمل بر ۸۵ قصیده، ۹ ترکیب بند، ۲۳ قطعه، ۹ غزل، ۵ مثنوی و ۸ رباعی و جمعاً ۵۱۳۱ بیت است. سپهر این دیوان را در بیست تا بیست و چهار سالگی و در مدت هزار روز می سراید، خود می گوید: «و قصایدی را که در ظرف یک هزار روز ملازمت این آستان به نرمی تربیت خسروزاده دارادربان به سلک نظم در آمده بود، مدون نمودم...». (دیوان محمود القصاید، دیباچه، ص ۱۰)

من به دود ده سالگی افشاندند ام مکنون بحر زان به پنجه بیش اگر محصول کان افشاندند اند (همان، قصیده ۵۵/۴۰)

سالیان گرچه به سر رفت مرا بیست و چهار هر کهن مرد برم کودک ابجدخوان است (همان، ترکیب بند ۱۱۷۹)

مهمترین مضامین اشعار این دیوان، توحید، نعت پیامبر (ص) و ائمه اطهار، مدح شاهان و شاهزادگان قاجار، به ویژه «محمود میرزا»، خطاطان و شاعران معاصر، پند و اندرز و... است؛ و چون غالب قصاید در مدح محمود میرزا است، سپهر نام دیوان را «محمود القصاید» گذاشته که در ضمن به معنای ایهامی «محمود» هم توجه داشته است.

◀ ب. شعر سپهر

□ ۱. سبک بازگشت:

سپهر از شاعران دوره بازگشت به حساب می آید. از این رو، بی مناسبت نیست که ابتدا این سبک مختصراً معرفی شود:

سبک بازگشت بعد از انحطاط در سبک هندی، در ادب فارسی پایه ریزی شد و هدف ایجادکنندگان آن، عدول از سبک هندی و روی آوردن به سبکهای خراسانی و عراقی بود. از این رو سبک نوینی محسوب نمی شود.

در دوره کوتاه زندیه توجه چندانی به شعر و شاعری نمی شد، اما با روی کار آمدن سلسله قاجار و تثبیت حکومت مرکزی در ایران جنبشی در ادبیات شکل گرفت. اکثر شاهان و شاهزادگان قاجاری دارای ذوق شعر و شاعری بودند و یا به شعر و شاعری علاقه و توجه نشان می دادند. در این دوره حتی ملا احمد نراقی، مجتهد نامی عصر با تخلص «صفایی»، و حاج مهدی سبزواری، حکیم و فیلسوف نامدار با تخلص «اسرار»، شعر می سرایند و قالب قصیده و شعر مدحی که در سبک عراقی و به ویژه سبک هندی فراموش شده بود، دوباره احیا می گردد. سپهر در این باره و در مدح فتحعلی شاه گوید:

بر درش پنجاه اینک شاعر جادو کلام جمله چون من در سخن پیغمبر صاحب کتاب
(همان، قصیده ۲۶/۱۵)

شاعران دوره بازگشت دو گروه اند: دسته ای مانند صبا، وصال، سحاب، مجمر، سروش، قآنی و یغما شاعری را به صورت رسمی و به شیوه قدما پیشه اصلی خود داشتند، و دسته ای مانند نشاط، قائم مقام، شیبانی، نراقی، میرزا حبیب خراسانی در عین پرداختن به مشاغل دیگر، از شاعری غافل نبودند.

قالب اصلی شعر در این دوره قصیده و سرمشق شاعران در این قالب شعری، منوچهری، فرخی، انوری و خاقانی اند. بعد از قصیده، غزل رایج بود که شاعران این دوره بیشتر از غزلسرایان سبک عراقی خصوصاً سعدی، حافظ و خواجو تقلید می کردند.

شعر این دوره، جز شاعران عارف مثل فروغی بسطامی و میرزا حبیب اصفهانی و ملا احمد نراقی، عموماً از چاشنی عرفان بی بهره و شعری آفاقی و عینیت گراست و حتی محتوای غزلهای این دوره نیز عشق مجازی و بیان محسوسات است.

از نظر محتوا و مضمون، هنر شاعران این دوره بازآفرینی مضامین و اندیشه های شاعران گذشته خصوصاً شاعران سبک خراسانی است، و روی هم رفته، شاعران این دوره علیرغم تحولات جدید جهانی در فکر و فرهنگ و صنعت در قرون هیجده و نوزده، تحول و ابتکاری در فکر و محتوای شعر خود نداشته، بلکه به تقلید و تضمین و کهنه گویی روی آوردند. یعنی، شاعران این دوره به جای اینکه دست به ایجاد مضامین بکر و تازه بزنند و یا

در قالب و شکل صوری اشعار تغییری ایجاد کنند، خود را در حال و هوای شاعران گذشته قرار می‌دادند و به تقلید از آن‌ها می‌پرداختند و همان مضامین را دوباره به کار می‌گرفتند، و این نکته اساسی، بزرگ‌ترین عیب وارد بر شعر این دوره محسوب می‌شود.

مکتب بازگشت در انجمنهای ادبی دوره قاجار پی‌ریزی شد که به انجمنهای بازگشت مشهور شده‌اند. بزرگان و بنیانگذاران و شاعران مکتب بازگشت از این قرارند:

در انجمن اول بازگشت (انجمن ادبی اصفهان): مشتاق اصفهانی، هاتف، صباحی بیدگلی، آذر بیگدلی؛ انجمن دوم بازگشت (انجمن نشاط): نشاط اصفهانی؛ انجمن سوم بازگشت (انجمن خاقان): فتحعلی خان صبا، سحاب، مجمر اصفهانی. آخرین شاعران بازگشتی عصر قاجار که غالباً معاصر و معاصر سپهر بوده‌اند از این قرارند: قائم مقام فراهانی، وصال شیرازی، یغمای جندقی، فروغی بسطامی، فتح‌الله خان شیبانی، قآنی، سروش اصفهانی، محمود خان ملک الشعراء، شاطر عباس صبوچی.^۶

□ ۲. مقام ادبی و مرتبه شاعری سپهر:

اگر اشعار سپهر را از نظر جوهر شعری بررسی کنیم، درمی‌یابیم که غالب اشعار او استوار و تاثیرگذار است و او هرچند که شاعری مقلد است، اما از عهده تقلید برآمده و وی را باید یکی از بهترین شاعران سبک بازگشت و از شاعران توانای قصیده‌سرا دانست.

دکتر زرین کوب، درباره مقام شاعری و سبک سپهر می‌نویسد: «در شاعری بالنسبه پرمايه بود... و تسلط خود را در نظم الفاظ و در فنون اسالیب سخن نشان می‌دهد. قصاید وی غالباً محکم و تا حدی بر شیوه عنصری و مسعود سعد به نظر می‌رسد...» (سیری در شعر فارسی، ص ۱۸۰)

سپهر مقام شاعری خود را می‌شناسد و ضمن ستایش و بزرگداشت خود در شاعری، مثل برخی شاعران قرن ششم، مانند انوری، شعر و شاعری را از دانشها و هنرهای کوچک خود می‌شمارد:



تاکنون گرچه نیامد چیرگفتی چون سپهر این سخن آن را که باشد هوش داند آشکار
(همان، قصیده ۳۷/۴۵)

فروتر دانشم شعر است و دانانیک می داند کز آن شد سخت جان لولو، کز آن شد تنگدل شکر...^۷
(همان، قصیده ۹۸/۴۶)

او در این راه خود را از برخی شاعران گذشته و معاصر خود، مانند انوری، خاقانی^۸ و صبای کاشانی^۹ برتر می شمارد. برای نمونه در برتری خود بر انوری چنین فغان می کند:
با چو من جادو سخن از انوری آرند یاد ای مسلمانان فغان از دور چرخ چنبری
(همان، قصیده ۴۵/۸۲)

در ذیل به برخی از این تواناییهای سپهر در شاعری اشاره می کنیم:

□ ۱-۲. از دیدگاه کمیت:

حجم ابیات سروده شده توسط سپهر در دیوان اشعار و دیوان محمود القصاید قابل توجه و پر شمار است، مثلاً دیوان محمود القصاید او بیش از پنج هزار بیت است که در مدت زمان اندکی نیز سروده شده است. همچنین او در این دیوان، قصیده‌ای یکصد و هفتاد بیتی دارد که با این بیت آغاز می شود:

چو شد همخانه سیمغ این زاغ سیه پیکر پرافشان شد بر این نیلی قفس طاووس آتش پر
یا آنکه قصیده‌ای در شرح مقاتله شاهزادگان عراق سروده که بیش از دویست و هفتاد بیت دارد و خود سپهر در آغاز این قصیده به این نکته اشاره می کند که اگر چه قصه و حکایت پردازی مخصوص قالب شعری مثنوی است و گنجاندن آن در قالب قصیده کاری بسیار صعب است ولی با این حال در قالب قصیده آن حکایت را به نظم در می آورد.^{۱۰}
ناصرالدین شاه نیز در منشوری که سپهر را لقب «لسان الملک» می بخشد، می گوید: «... و همچنان یکصد هزار شعر که سند پارسی زبانان است در دولت قاجار به نظم کرد...» (ناسخ التواریخ، ص ۴۶۴) سپهر نیز خود به این نکته در پایان آن منشور اشاره می کند: «بالجمله این بنده با اینکه یک کرور بیت نظم و نثر در این دولت نهاده ام...» (همان، ص ۱۳۵۷)

و از آنجا که در دیباچه منشور دیوان محمود القصاید این گونه بیان می کند که: «من بنده تاکنون بیست و چهار هزار بیت مرتب ساخته‌ام از بحر تقارب...» معلوم می شود که ارقام بالا صحیح است.

□ ۲-۲. از دیدگاه آرایه‌های ادبی:

توانایی و تبحر اصلی شاعران بازگشتی، در تقلید از شیوه قدما و تنوع و تعدد شیوه‌های پیروی از سبک و هنر شاعران سنتی، یعنی شاعران پیش از سبک هندی خلاصه می‌شد. این شاعران می‌کوشیدند همه فنون و هنرهای شعری گذشتگان را تجدید و تقلید کنند. سپهر نیز برای نشان دادن هنر خود در شاعری و به زعم خود نشان دادن برتری خود بر پیشینیان کوشیده است، مثل شاعران قصیده سرایی چون خاقانی، انواع و اقسام صور خیال و آرایه‌های لفظی و معنوی بدیعی را در شعر خود بیاورد که به برخی از آن موارد در اینجا اشاره می‌کنیم:

○ کنایه:

من پنبه به گوش و فلک از پنبه نهادن پنبه کند آخر همه گر رشته جان است

(همان، قصیده ۲/۲۹)

انگشت نمایم ز غم انگشت به دندان انگشت زنان خصم که انگشت گزان است

(همان، قصیده ۷/۲۹)

یا چند کنایه ترکیبی برای بیان یک معنی، مانند:

پنجه گذار انگشت کش سرکوب زن آرم ده تشویرگر بیغاره ران تشنیه گو تقریب خوان

(ترکیب بند ۵/۷)

○ ارتفاع یا هم‌پاغازی:

باز گفتم هیچ کس ز اول نه دانشمند بود برشود از خاک خار، از خار گل، از گل گلاب

نوش اندر مهره است و مهره اندر مغز مار فضل خیزد ز آدمی و آدمی از خاک و آب

(همان، قصیده ۱۶-۱۵/۱۸)

داور عیسی نفس، عیسی موسی سخن موسی خضر اقتدار، خضر ملائک خطر

(همان، قصیده ۲۵/۴۸)

احمد حیدر حسام، حیدر عیسی کلام عیسی چرخ احتشام، چرخ ستاره حشم

(همان، قصیده ۱۶/۶۳)

○ انواع جناس و نغمه حروف یا واج آرای:

جان جنان نبشته با جودت جمال قدر قدر سپرده با قدرت قدیر

(همان، قصیده ۱۰/۴۱)

برتر شده سدره تو صد ره

از سده این بلند طارم

(همان، قصیده ۱۷۵۸)

ای ز غمت قیامتی در دل هر که بنگری

پیش قیام قامت قام قیامه سرسری^{۱۱}

(همان، قصیده ۲۸۸۳)

آرایه‌های مختلف در یک بیت:

آتش بسته برفشان آب گشاده گیر و بس

کآتش زر به هر طرب بسته به آب آذری

(همان، قصیده ۱۰۳۸)

که در این بیت آرایه‌های تضاد، تناسب، کنایه، ایهام تضاد، ایهام ترادف، جناس تام، و واج آرایه به کار رفته است. یا

در بیت زیر:

چو خاک این یک به فروردین چو باد آن دیگر از آردی چو آذر این یک از آبان چو آب آن دیگر از آذر

(همان، قصیده ۱۵۰۴۶)

که باز چندین آرایه تکرار، تناسب، تشبیه، لف و نشر، جناس تام، جناس مرکب، ایهام تناسب و ایهام تضاد در آن دیده می‌شود.

در ابیات زیر نیز این چندگانگی آرایه‌ها در یک بیت قابل توجه و لذت بخش است:

خطاب فندق مطرب خرام قامت ساقی

پی افلاک را خنجر، رگ ناهید را نشتر

بهار ساحت جنت طراز تربت تبت

ریاض طلعت شاهد شکنج طره دلبر

نگار و مطرب و مجلس، شراب و شاهد و ساقی

همه دلبر همه دلکش همه دلکش همه دلبر

دل عاشق رخ شاهد لب ساغر کف ساقی

یکی مرغ و یکی آتش، یکی ماه و یکی چنبر

به ساغر اندرون صهبا به صهبا طلعت شاهد

یکی چون بحر در کشتی یکی چون خلد در کوثر^{۱۲}

(همان، قصیده ۶۴/۶۳-۶۷)

هنرها و تواناییهای کمی و کیفی شعر سپهر به این اندک منحصر نمی‌شود، برای نمونه

قدرت او در توصیف ممدوح یا وصف اشیا و حیوانات و... دست کمی از شاعران بزرگ

مداح سنتی ندارد و این توانایی را در اشعار خود نشان داده است.^{۱۳}

یا آنکه مثلاً در نشان دادن توانایی خود در صنعت التزام نام عناصر اربعه را به زیبایی در

کل یک قصیده چهل و سه بیتی^{۱۴} آورده است. نمونه دیگر از تواناییهای او در شعر، آوردن

ردیفهای دشوار یا طولانی در قصاید است.^{۱۵}

مورد آخری که قابل ذکر است آشنایی و بلکه تسلط سپهر بر زبان فارسی و استفاده از امکانات آن است، برای نمونه، او در کل یک قصیده از دیوان محمودالقصاید^{۱۶} کوشیده است که آن را فقط به زبان فارسی و بدون ایراد واژگان عربی بسراید.

□ ۳. ویژگیهای سبکی شعر سپهر:

در دیوان قصاید سپهر بیشتر الگوهای زبانی (آوایی، واژگانی و دستوری) مکتب خراسانی و آذربایجانی دیده می‌شود که نیازی به ذکر آن موارد نیست.^{۱۷}

علاوه بر این، ویژگیهای دیگری نیز در اشعار سپهر دیده می‌شود؛ مثلاً دشواری و پیچیدگی سبک آذربایجانی، خصوصاً به کاربردن استعاره‌ها و کنایه‌ها و تناسبهای پی در پی، چنان که در اشعار خاقانی و نظامی دیده می‌شود، در شعر سپهر نیز وجود دارد:

دست افشان هر زمان کبکان بزم از مرغ زر یک جهان خون کبوتر رایگان افشاندند

(همان، قصیده ۷/۴۰)

تر زبان کردند زرین مرغ را کبکان بزم مرغ شبخوان را ز غیرت از زبان انداختند

(همان، قصیده ۱۱/۳۵)

سپهر علاوه بر تقلید از سبک خراسانی و آذربایجانی به شاعران سبک بازگشت، خصوصاً صبا، صباحی بیدگلی و قآنی نیز توجه داشته است، به عنوان نمونه، یکی از ویژگیهای بارز قصاید قآنی به کارگیری تلمیح و اشاره به اسامی اشخاص داستانها به دنبال هم است:

رستم عید از برای چشم کاووس بهار نوشدارو از دل دیو خزان می آورد

بهر دفع بیوراسب دی گلستان کاوه را از گل سوری درفش کاویان می آورد

رستم اردیبهشتی مژده نزد طوس عید از هلاک اشکبوس مهرگان می آورد...

(دیوان قآنی، ص ۱۵۴)

که سپهر نیز همچنین می‌سراید:^{۱۸}

این زال سیه مو که مرادشمن جان است

...محمود شه راد جهانگیر جهاندار

جمشیدفر و شیدرخ و شیرشکار است

در رزم درون رستم و، دستانش زبون است

رستم دل و دستانش و سیمرخ نشان است

کاندر در او دربان صد قیصر و خان است

رستم جگر و سام دل و زال کمان است

در بزم درون حاتم و قآنش فسان است

(همان، قصیده ۱۱۷۲۹-۱۳)

مطرب به آهنگ و نوا باغ سیا ووشان سرا کیخسروانه بزم ما سوداوه سیما داشته

(همان، قصیده ۱۳/۷۴)

سپهر از صبای کاشانی نیز به بزرگی یاد می کند و ترکیب بندی مشتمل بر شش ترکیب در سوگ او دارد. او به اشعار صبا نیز توجه داشته و بعضی از آنها را تضمین یا تقلید کرده است. مثلاً در آخرین بیت از قصیده ۴۲ می خوانیم:

گفت این قصیده زین سان جادو سخن صبا «ای قصر ماه کآمد با پایه ات قیصر»

(دیوان صبا، ص ۱۵۳)

در و مرجان کاروان در کاروان دادند ساز کاخ و ایوان فیروان تا فیروان آراستن

(همان، ص ۷۴۰)

و سپهر گوید:

ای صیت عدالت فیروان تا فیروان آراسته خواب خور کبک نوان چرخ ژیان آراسته

(همان، ترکیب بند ۲۵/۳)

همچنین سپهر مثنوی ای در شک و سهو و گمان نماز دارد که به یقین آن را به تقلید از مثنوی خلاصه الاحکام صبا سروده است و در اکثر عناوین و مضامین با او اشتراک دارد. به طور کلی سبک سپهر در قصاید، تلفیقی از سبک خراسانی و آذربایجانی (خصوصاً آذربایجانی) است و در آنها استواری زبان فرخی و انوری، توصیفهای منوچهری گونه، به کارگیری استعاره، کنایه، تشبیه و تناسبهای مکرر خاقانی وار قابل ملاحظه است. اکثر قصاید او با تشبیب و تغزل آغاز می شود و بعد از مدح ممدوح (حسن تخلص) با دعا (شریطه) خاتمه می یابد. غزلیات سپهر در دیوان مورد بحث حدود ۹ غزل و ۶۰ بیت است که دارای سادگی و لطافت خاصی هستند و بیشتر به تقلید از غزلیات سعدی سروده شده اند:

از آدمیان هست پری خوبتر و حور نیکوتر از آن هست و تو نیکوتر از آنی

(همان، غزل ۳/۷)

دلم شکستی و از آن هنوز در عجبم که می رمد پری از آینه، تو می شکنی

(همان، قصیده ۳/۴)

و به تقلید از این بیت حافظ:

تاب بنفشه می دهد طره مشکسای تو

پرده غنچه می درد خنده دلگشای تو

(دیوان حافظ، ص ۳۱۸)

می سراید:

غمنده آهوان چین ز جزع دلربای تو روان نافه کرده خون کمند مشکسای تو
(همان، قصیده ۱۷۶)

مثنویهای او به تقلید از مخزن الاسرار نظامی و بوستان سعدی و صبا سروده شده‌اند. در اشعاری که به شیوه مخزن الاسرار نظامی سروده، از عهده تقلید به خوبی برآمده است:

بسم الله الرحمن الرحيم فاتحه فتح طلسم قدیم
اول و آخر همه مخزن گشای فاتحه نامه چون نام خدای
خالی از او دهر ز آکندگی پردگی از پرده بر افکندگی...

البته قطعات و رباعیات سپهر در این دیوان (محمود القصاید) از ارزش هنری چندانی برخوردار نیستند.



◀ پی نوشت ها:

۱. برخی مثل حسین محبوب اردکانی در کتاب شرح رجال ایران، ج ۳، ص ۳۱۱ و دکتر سید جعفر شهیدی در مقدمه براهین العجم سال تولد او را ۱۲۰۷ هجری قمری ذکر کرده‌اند که اشتباه است.
۲. سپهر در قصیده شماره ۶۰ دیوان محمود القصاید به این موضوع اشاره می‌کند، مطلع آن چنین است:
ای شهریار فضل شنیدم که شهریار گفتا صباست بر به هنر تربیت گرم
سپهر ظاهر آدیوان قصایدی چند هزار بیتی داشته که مفقود گشته است، در این باره در قصیده ۴۶ و قصیده ۸۴ دیوان محمود القصاید سخن گفته است.
۳. در باره شرح احوال سپهر بنگرید به: از صبا به نیما، ص ۱۸۹، مقدمه دکتر جعفر شهیدی بر براهین العجم، ص ۸-۵، مقدمه جمشید کیانفر بر ناسخ التواریخ، تاریخ قاجاریه، ص ۳۷-۲۹، ریحانة الادب، ج ۵، ص ۱۳۰، حلیقة الشعراء، ص ۷۴۱، روزنامه شرفه سال ۱۳۰۷، شماره ۷۳، مجله یادگار، سال پنجم، شماره ۲ و ۱ ص ۹۶ و....
۴. ریحانة الادب، ربیع الاول و مجله یادگار ربیع الثانی ذکر کرده‌اند.
۵. تصحیح و تعلیقات این دیوان در سال ۱۳۸۳ به عنوان پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته ادبیات فارسی به راهنمایی دکتر رضا روحانی و توسط عبدالرزاق امیری انجام یافته است. مقاله حاضر، یکی از مباحث مقدماتی آن رساله است که با نگارشی تازه، در اینجا ارائه می‌گردد.
۶. برای اطلاع از احوال و آثار و سبک این شاعران ر.ک: مکتب بازگشت، شمس لنگرودی، نشر مرکز چاپ دوم، تهران ۱۳۷۵.
۷. نیز بنگرید به دیوان محمود القصاید، قصیده ۴۵/۸۲.
۸. بنگرید به همان، قصیده ۵۳/۳۴-۵۵.
۹. بنگرید به همان، قصیده ۷۵/۶۰ و ۷۶.
۱۰. ر.ک: ناسخ التواریخ، ص ۴۶۴.

۱۱. نیز ر.ک: دیوان محمودالقصاید، قصیده ۱۰/۲۹ و ۲۹/۶۹.

۱۲. یا در قصیده شماره بیست و یک گوید:

شکنج طره و خد تو، عنبر و بیضاست تراز چهره و قد تو، عرعر و جوزاست
هوای روی تو و دل، چو آتش و سیماب همای وصل تو و جان، چو دانه و عنقااست...
که در تمام ابیات این قصیده آرایه تناسب و تشبیه ملفوف را رعایت کرده است.

۱۳. برای آشنایی با هنر سپهر در وصف بنگرید به همان، قصاید ۲۶/۵۴-۲۹/۴۶؛ ۳۵-۴۰/۶۹-۴۱.

۱۴. ر.ک: همان، قصیده ۴۷.

۱۵. ر.ک: همان، قصیده ۱۰ و قصیده ۳۲.

۱۶. ر.ک: همان، قصیده ۶۸.

۱۷. مواردی مثل اندر به جای در، همی به جای می، کجا به جای که، به کار بردن دو حرف اضافه برای یک متمم، به کار بردن به بر سر افعال، به کار بردن ابر به جای بر، به کار بردن ابا به جای با، تخفیف مشدد، تشدید مخفف، استفاده از واژه های پهلوی و...

۱۸. ر.ک: قصیده ۴/۳۴، و قصیده ۱۸/۳۵

◀ فهرست منابع و مأخذ:

- ۱- از صبا تا نیما (۳ جلد)؛ یحیی آرین پور؛ چاپ چهارم، انتشارات زوار، تهران، ۱۳۷۲
- ۲- براهین العجم، محمد تقی سپهر، به کوشش سید جعفر شهیدی، دانشگاه تهران، چاپ اول، تهران، ۱۳۵۱
- ۳- تاریخ کاشان، عبد الرحیم کلانتر ضرابی (سهیل کاشانی)؛ به کوشش ایرج افشار؛ چاپ دوم، تهران: انتشارات فرهنگ ایران زمین، ۱۳۴۱
- ۴- حدیقة الشعر ۸ سید احمد دیوان بیگی شیرازی؛ به تصحیح عبد الحسین نوایی؛ تهران: انتشارات زرین، چاپ اول، ۱۳۶۲
- ۵- دیوان حافظ؛ به تصحیح غنی قزوینی؛ چاپ سوم، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۷۰
- ۶- دیوان صبه؛ به تصحیح محمد علی نجاتی؛ تهران: انتشارات اقبال، ۱۳۴۱
- ۷- دیوان قاضی؛ به تصحیح ناصر رهبری، چاپ اول، تهران: انتشارات گلشایی، ۱۳۶۳
- ۸- دیوان محمودالقصاید؛ نسخه خطی موجود در کتابخانه مجلس، شماره ثبت ۱۰۱۱
- ۹- روزنامه شرف؛ سال ۱۳۰۷، شماره ۷۳، انتشارات فرهنگسرای
- ۱۰- ربحانة الادب؛ میرزا محمد علی مدرس؛ چاپ سوم، تهران: کتابفروشی خیام، ۱۳۶۹
- ۱۱- سیری در شعر فارسی؛ عبد الحسین زرین کوب، چاپ سوم، تهران: انتشارات قطره، ۱۳۷۸
- ۱۲- شرح رجال ایران؛ حسین محبوب اردکانی، چاپ اول، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۱
- ۱۳- مجله یادگار؛ سال پنجم، شماره ۱ و ۲
- ۱۴- مکتب بازگشت؛ شمس لنگرودی، چاپ اول، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۵
- ۱۵- شعر در عصر قاجار؛ مهدی حمیدی شیرازی، چاپ اول، تهران: انتشارات گنج کتاب، ۱۳۶۴
- ۱۶- ناسخ التواریخ؛ تاریخ قاجاریه، محمد تقی سپهر، جمشید کیانفر، چاپ اول، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۷۷